

تعریف دگرگونه زنان از رابطه تنانه

مطالعه موردی زنان ۲۸ تا ۳۸ سال

نویسنده: مریم رحمانی

بیدارزنی: مقاله «تعریف دگرگونه زنان از رابطه تنانه» در اولین همایش «انسان‌شناسی و جنسیت» در سال ۹۴ در انجمن انسان‌شناسی ایران ارائه شده است و در اینجا بازنشر می‌شود. متأسفانه مجلات علمی - پژوهشی - ترویجی از انتشار آن به دلیل آنچه فمینیستی بودن محتوی می‌خواندند، امتناع کردند. در اینجا جا دارد از زنانی که به پژوهشگر اعتماد کردند و خصوصاً ترین تجارب زیسته خود را در اختیار من قرار دارند صمیمانه سپاسگزاری کنم که بدون این همکاری این پژوهش امکان‌پذیر نبود.

چکیده

ازدواج در فرهنگ ایرانی از جایگاهی والا برخوردار و یکی از دغدغه‌های خانواده‌ها در مورد فرزندانشان است. ازدواج کارکردهای مختلف عاطفی، اجتماعی، روانی دارد؛ و ارضای گزینه جنسی از جمله کارکردهای مهم آن محسوب می‌شود. ضمن آنکه در جامعه ایرانی تنها چارچوب پذیرفته شده برای ارضای گزینه جنسی، ازدواج است. در فرهنگ مردسالار ایران در مورد فعالیت جنسی مردان خارج از ازدواج با مدارا برخورد می‌شود اما رابطه خارج از ازدواج در مورد زنان به دلیل داشتن فیزیولوژی متفاوت آنان با تنگناهایی مواجه است. در سال‌های اخیر با تغییرات اجتماعی و همچنین رشد آگاهی جنسیتی در بین زنان شاهد شکل‌گیری شیوه‌های دیگری به جز ازدواج برای ارضای گزینه جنسی در بین زنان هستیم.

در این پژوهش با ده زن ۲۸-۳۸ ساله که رابطه جنسی خارج از ازدواج داشته‌اند مصاحبه شد تا مشخص شود آنان چه نگاهی به بکارت، عشق و رابطه جنسی دارند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد بکارت داشتن تا زمان ازدواج برای این زنان ارزش محسوب نمی‌شود و آنان بکارت را بیشتر امری فیزیولوژیک می‌دانند تا ارزشی اخلاقی. هرچند که دو نفر از آنان در عین داشتن رابطه جنسی بکارت خود را حفظ کرده‌اند.

همچنین به جز دو زن، بقیه پاسخ‌دهندگان تمایزی بین عشق و رابطه جنسی قائل نبودند و ترجیحشان تجربه کردن اولین رابطه جنسی با مردی بود که دوستش داشته باشند و او را متعهد بدانند. استرس و فشارهای روانی

از جمله آسیب‌هایی است که این زنان به دلیل تابوشکنی متحمل شده‌اند. این زنان به دلیل شکستن هنجارهای جامعه نگران آینده خود هستند چراکه بیشتر خانواده‌ها از رابطه خارج از ازدواج آنان خبر ندارند.

واژگان کلیدی: روابط عاشقانه، عشق، ازدواج، رابطه خارج از ازدواج، رابطه جنسی

مقدمه و طرح مسئله

ایران در گذار از سنت به مدرنیته دستخوش تحولات گسترده‌ای در حوزه ارزش‌ها و هنجارهاست. یکی از این تغییرات تجربه رابطه خارج از ازدواج برای هر دو جنس به‌ویژه برای زنان است. در فرهنگ ایرانی، رابطه خارج از ازدواج برای مردان مشمول اغماض و همراه با توجیه است و گاه شنیده می‌شود این رابطه برای مردان اشکالی ندارد چون چیزی از دست نمی‌دهند. معنی این حرف، «داشتن پرده بکارت در زنان» است و این‌که بکارت داشتن زنان در فرهنگ ایرانی با «آبرو و ناموس مردان خانواده» گره خورده است. باکره بودن تا زمان ازدواج برای زنان ارزش محسوب می‌شود که بر اساس آن مورد قضاوت اخلاقی قرار می‌گیرند؛ اما به نظر می‌رسد تغییراتی در باورهای زنان در مورد سکسوالیته در حال رخ دادن است و آنان به اشکال مختلف رابطه جنسی را قبل از ازدواج تجربه می‌کنند.

نگاه انسان‌ها به عشق و رابطه جنسی متنوع است. برخی این دو را در یک امتداد می‌بینند و برخی امری مجزا از هم می‌شمارند. معمولاً گفته می‌شود «زنان عاطفی‌تر از مردان‌اند» امری که به گفته برخی جامعه‌شناسان و فمینیست‌ها ناشی از فرهنگ و جامعه‌پذیری است. «گرت» معتقد است جامعه‌شناسان تمایز مهمی بین جنس و جنسیت قائل‌اند و درحالی‌که جنس بر تفاوت‌های بیولوژیک دلالت دارد جنسیت ناظر بر ویژگی‌های شخصی و روانی است که جامعه آن‌ها را تعیین می‌کند (گرت، ۱۳، ۱۳۸۰).

تاکنون پژوهشی در این زمینه انجام نشده است که رابطه جنسی برای زنان چه معنایی دارد. بنابراین جا دارد به رابطه جنسی خارج از ازدواج و نگاهی که زنان به عشق و بدن خود دارند توجه شود تا مشخص شود چرا برخی از زنان دست به تابوشکنی می‌زنند.

ادبیات پژوهش

در ایران، زندگی فرهنگی بیش از سایر حوزه‌های زندگی اجتماعی، تغییراتی را از سر گذرانده است و بعضی تحولات اجتماعی راه را برای ظهور گروه‌های اجتماعی با جهان‌بینی متفاوت و خواست‌های متنوع باز کرده است. دست‌کم چند فرآیند عمده مانند گسترش آموزش، رشد رسانه‌ها و نفوذ آن‌ها در زندگی فردی و جمعی، رشد شهرنشینی و تمرکز فزاینده جمعیت در شهرهای بزرگ، افزایش سطح آموزش زنان و ... زمینه‌های اجتماعی ظهور هویت‌هایی جدید را فراهم کرده‌اند که درباره جهان اجتماعی خود به نحوی دیگر می‌اندیشند، با معیارهایی متفاوت آن را ارزیابی می‌کنند، خواست‌ها و آرزوهای دیگری دارند و در مجموع سبک دیگری از زندگی را ترجیح می‌دهند.

«گیدنز» معتقد است در جامعه مدرن انسان‌ها دائماً هویت خود را خلق و تصحیح می‌کنند و این‌که چه کسی هستند و چگونه این‌گونه شده‌اند را مرور می‌کنند. به گفته او «در شرایط مدرنیته، واقعیت اجتماعی ضرورتاً یا به صورت اجتناب‌ناپذیری به امری تأملی تبدیل شده است» (اسمارت، ۱۳۸۳، ۱۸۳)

گیدنز چنین استدلال می‌کند که توانایی بازاندیشی مدرنیته تا قلب خود گسترش می‌یابد، خود به یک طرح بازاندیشانه تبدیل می‌شود؛ یعنی خود تبدیل به چیزی می‌شود که می‌توان آن را مورد بازاندیشی قرارداد، دگرگونش کرد و حتی آن را قالب‌ریزی کرد. در جهان مدرن، بدن انسان نیز درگیر سازمان بازاندیشانه زندگی اجتماعی شده است. ما نه تنها مسئول طراحی خودهایمان هستیم، بلکه همچنین باید در ارتباط با خود، بدن‌هایمان را نیز طراحی کنیم. «در اینجا بدن جزئی از یک نظام کنشی است و نه صرفاً یک شیء منفعل. نظارت بر فرآیندهای جسمانی جزء ذاتی نوعی توجه بازاندیشانه‌ی مداوم است که فاعل باید نسبت به رفتار خویش نشان دهد. آگاهی به چندوچون بدن برای دریافتن تمام‌عیار هر لحظه از زندگی اهمیتی اساسی دارد» (گیدنز، ۱۳۸۸، ۱۱۴).

بر این اساس انسان مدرن، دارای نوعی هویت شخصی است که می‌تواند خود را برای دیگران توضیح دهد و این شاخصه‌ی عصر مدرنیته است. به گفته گیدنز ویژگی مدرنیته بازاندیشی درباره همه چیز است. مهم‌ترین بعد مدرنیته متأخر، نفوذ بازاندیشی به زندگی شخصی و نهادی است؛ افراد جامعه، اندیشه‌هایی را که درباره جهان اجتماعی، خود، آینده و شرایط زندگی‌شان دارند، وارد جهانی می‌کنند که آن را توصیف می‌نماید. بدین‌سان، آن را به‌طور بنیادی تغییر می‌دهند. در چنین شرایطی، افراد جامعه با دسترسی گسترده‌ای که در زندگی جمعی به دانش‌های تخصصی دارند، سبک زندگی و هویت شخصی‌شان را خودشان تعیین می‌کنند. بانفوذ مدرنیته، انسان‌ها به دنبال تعریف دگرگونه‌ای از خویش، روابط و بدنشان هستند و تلاش می‌کنند سبک زندگی و روابط جنسی خود را به‌گونه‌ای متفاوت از سنت پیش ببرند. داشتن روابط جنسی خارج از ازدواج

یکی از نتایج بازاندیشی انسان‌ها به نسبت بدن و روابط خویش است. امری که در همه جای دنیا شاهد آن هستیم.

گسترش رابطه جنسی پیش از ازدواج محصول انقلاب جنسی (sexual revolution) در اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی در جوامع غربی بوده است. در چند دهه پیش، این روندها حتی برای مردم کشورهای توسعه‌یافته پدیده‌هایی جدید بود و طرفداران کمی داشت؛ اما به تدریج این تغییرات ارزشی، صورتی فراگیرتر پیدا کرد. هاردینگ و جنکس (Harding & Jencks, 2003) نشان داده‌اند که در سال ۱۹۶۹، از نظر بیش از ۷۵ درصد آمریکاییان رابطه جنسی پیش از ازدواج امری زشت و مذموم بود؛ اما فقط چند سال بعد، دیدگاه غالب به این‌گونه روابط در امریکا تغییرات فاحشی پیدا کرد؛ به طوری که در دهه ۱۹۸۰، فقط ۳۳ درصد آمریکاییان رابطه جنسی پیش از ازدواج را امری ناپسند می‌دانستند و این در حالی است که در جامعه امروز آمریکا تقریباً همه جوانان رابطه جنسی پیش از ازدواج را تجربه می‌کنند (آزاد ارمکی، ۶، ۱۳۹۰).

در چند دهه اخیر، در این کشورها نه تنها سن ازدواج (marriage age) افزایش یافته؛ بلکه درصد ازدواج (marriage rate) هم نسبت به دوره‌های قبل «کاهش» چشمگیری داشته است. امروزه جوانان در این کشورها «کمتر» و «دیرتر» ازدواج می‌کنند. این تغییرات گویای آن است که در چند دهه اخیر واقعه‌ای مهم در این جوامع روی داده است. تحولات اقتصادی و تغییرات اجتماعی در پی آن بسیاری از معادلات را بر هم زده و الگوهای ناپایدار روابط شخصی به تدریج به مثابه رقیبی جدی در مقابل ازدواج، به عنوان الگوی روابط پایدار، مطرح شده است. در این کشورها رابطه جنسی پیش از ازدواج و تداوم آن به پیدایش گونه‌های جدیدی از خانواده منجر شده است که «هم‌خانگی» (cohabitation) یکی از مهم‌ترین آن‌ها در غرب است؛ خانواده‌های جدید که به سرعت در حال افزایش است (همان).

بر اساس مطالعات ساکالی و گلیک (Sakalli & Glick, 2003)، در ترکیه هم پس از تحولات اقتصادی در چند دهه اخیر روندهای تقریباً مشابهی از «تغییرات ارزشی» مشاهده شده است. به گفته آن‌ها در گذشته، فرهنگ عمومی ترکیه چنان بود که روابط جنسی پیش از ازدواج، در صورت آشکارشدن، به رسوایی بزرگی تبدیل می‌شد؛ اما در دو دهه اخیر این دید منفی در مورد مردان کم‌کم از بین رفت؛ درحالی که برای دختران باکره این روابط همچنان تابو است. اگرچه مطالعات اخیر در ترکیه نشان داده است که با تغییر نگرش‌ها به ارزش بکارت (virginity) دختران هنگام ازدواج، این روابط میان دختران ترک هم، روزبه‌روز، گسترش می‌یابد. تحقیقات در کشورهای دیگری چون هند، ژاپن و اندونزی گویای آن است که در چند دهه اخیر، با تغییرات

گسترده اقتصادی و اجتماعی روابط جنسی پیش از ازدواج در این جوامع سنتی و قدیمی هم روند رو به رشدی را طی کرده است و الگوهای متفاوتی از انواع این روابط را در خود نشان می‌دهد (آزاد ارمکی، ۱۳۹۰، ۶).

تحقیقات انجام‌شده نشان می‌دهد که داشتن رابطه جنسی پیش از ازدواج در ایران نیز در حال افزایش است (گرمارودی، ۱۳۸۸، سلیمانی نیا ۸۴، محمد ۲۰۰۷)

به گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس^۱ در سال ۹۳ «۷۴،۳ درصد دانش‌آموزان دختر و پسر دوره متوسطه با جنس مخالف رابطه داشته‌اند».

نتایج تحقیقی هم که محمود گلزاری^۲، معاون ساماندهی امور جوانان وزیر ورزش و جوانان در سال ۹۳ انجام داده نشان می‌دهد که «۴۰ درصد دانش‌آموزان رابطه با جنس مخالف را از ۱۴ سالگی شروع کرده‌اند. بر اساس همین تحقیق، ارتباط با جنس مخالف پیش از دانشگاه، نسبت به ۳۰ سال پیش، سه برابر شده و سن شروع رابطه جنسی نیز به دوره راهنمایی رسیده است».

همچنین بر اساس پژوهشی که بر روی ۳۸۵ نوجوان ۱۸-۱۵ ساله تهرانی، انجام شده ۲۷،۷ درصد پسران نوعی از ارتباطات جنسی با جنس مخالف را گزارش کردند. علاوه بر آن رفتارهای پرخطر جنسی در میان ۳۸۲ نفر از پسران نوجوان باتجربه تماس جنسی نیز در مطالعه‌ای بررسی شد. بیش از نیمی از افراد باتجربه جنسی (۵۵ درصد) گفته‌اند که اولین تجربه جنسی‌شان در ۱۵ سالگی بوده است (Mohammad et al, 32, 2007). میرمولایی و همکارانش نیز در تحقیقی درباره رفتارهای جنسی و عوامل مرتبط با آن در میان ۱۱۹۲ نفر از دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌های دولتی شهر تهران متوجه شدند حدود ۱۳٪ از دختران نزدیکی جنسی را تجربه کرده‌اند (میرمولایی و همکاران، ۱۳۸۴).

خلیج آبادی و مهریار نیز در تحقیق خود در سال ۸۹ بیان می‌کنند که نزدیک به ۲۵ درصد «دختران مجرد» دانشجو در دانشگاه‌های بزرگ تهران، در زندگی خود، به داشتن نوعی رابطه جنسی اشاره کرده‌اند که ۱۰ درصد آن‌ها به رابطه کامل جنسی ختم شده است (خلیج آبادی، ۸۹). از طرفی، محمد و همکارانش نیز در تحقیق خود در سال ۱۳۸۶ نشان داده‌اند که ۲۸ درصد نوجوانان و جوانان شهری رابطه جنسی قبل از

¹ <http://www.tabnak.ir/fa/news/423952>

² <http://mehrkhane.com/fa/news>

ازدواج را تجربه کرده‌اند. همچنین نتایج گزارش وزارت بهداشت (۱۳۸۶) نشان می‌دهد که حدود ۲۰ درصد پسران و کمتر از ۱۰ درصد دختران تا ۲۰ سالگی رابطه جنسی را تجربه می‌کنند و حال آنکه بیش از ۳۰ درصد پسران تا ۲۵ سالگی رابطه جنسی پیش از ازدواج داشته‌اند (Mohammad et al, 32, 2007).

رابطه جنسی و عشق گاهی باهم درآمیخته‌اند و گاهی دو مقوله مجزا از هم تعریف می‌شوند. در حقیقت برای بعضی از افراد این دو در راستای یکدیگر و برای برخی دیگر منفک از هم هستند. اما عشق چیست؟ عشق مفهومی انتزاعی است و بدون شک تعریف آن با استفاده از واژه‌ها یکی از دشوارترین کارهاست. این در حالی است که حتی در باب ماهیت عشق هیچ نظریه مشترک و عموماً پذیرفته شده‌ای وجود ندارد. همیشه در زمینه عشق ابهام و سردرگمی‌هایی وجود داشته است. از جمله عمده‌ترین نظریه‌های عشق توسط «رابرت جی استرنبرگ» ارائه شده است. او نظریه‌ای ارائه داد که در آن عشق را به شکل یک مثلث تصور کرد مرکب از سه بخش است: صمیمیت، شور و شوق (شهوت) و تصمیم/تعهد.

استرنبرگ آن را به عنوان احساساتی در نظر گرفت که نشانه نزدیک بودن است. بنابراین صمیمیت جوهره عشق را تشکیل می‌دهد. استرنبرگ در تحقیقاتش به این نتیجه رسید که صمیمیت شامل ۱۰ عنصر مختلف در رابطه با شخص موردعلاقه است:

۱- میل به رفاه شخص موردعلاقه

۲- تجربه خوشحالی با او

۳- داشتن توجه زیاد به وی

۴- قادر به اتکا به شخص موردعلاقه بودن در هنگام نیازمندی

۵- داشتن درک متقابل

۶- درمیان گذاشتن مسائل شخصی

۷- دریافت حمایت عاطفی

۸- ارائه حمایت عاطفی

۹- برقراری رابطه صمیمانه با فرد موردعلاقه

مؤلفه دوم عشق شور و شوق (شهوة) است که مبتنی بر انگیزش‌های شهوانی و جذابیت‌های جسمانی است و شامل اشتغالات ذهنی مثبت نسبت به معشوق است. این بعد جنبه انگیزشی دارد.

ضلع سوم عشق نیز تصمیم/تعهد است که شامل تصمیم‌های خودآگاهانه و غیر خودآگاهانه‌ای می‌شود که فرد برای دوست داشتن دیگری اتخاذ و خود را متعهد به حفظ آن می‌کند. این حالت جنبه شناختی دارد و دربردارنده تصمیم کوتاه‌مدت و بلندمدت برای دوست داشتن و مراقبت از معشوق است. این بعد تصمیم گرفتن برای تعهد داشتن، حفظ و نگهداری از معشوق و رابطه طولانی‌مدت با اوست. این جزء شامل تصمیم‌گیری در این باره است که فقط با یک نفر باشد و شریک دیگری برای خود انتخاب نکند و این ارتباط را مهم‌تر از ارتباط با هر فرد دیگری تلقی کند (استرنبرگ، ۲۰۰۷، ص ۳۲۲).

در جامعه ایران با وجود تغییراتی که در حال رخ دادن است و برخی از مورخان تاریخ جنسیت^۳ یا مسئولان کشور^۴ از آن حرکت به سوی انقلاب جنسی یاد می‌کنند هنوز بکارت در نسل‌های مختلف به‌ویژه نسل‌های قدیمی‌تر و در شهرهای کوچک و سنتی تابویی است که شکستن آن توسط زنان به راحتی امکان‌پذیر نیست. بکارت داشتن دختران تا زمان ازدواج در ایران همچنان یکی از موضوعات مسلم از سوی خانواده‌ها و جامعه است. حق بر بدن زنان ایرانی به رسمیت شناخته نشده است. در بسیاری از مناطق ایران هنوز، قبل از ازدواج خانواده داماد از عروس آینده خود تست بکارت به عمل می‌آورند و انجام این تست از سوی خانواده دختر مورد اعتراض قرار نمی‌گیرد. در حالی که تاکنون دیده نشده خانواده عروس درخواستی مبنی بر گواهی احراز سلامت جنسی (نداشتن ایدز و سایر بیماری‌های مقاربتی) از داماد آینده خود داشته باشند. از نظر جامعه ایرانی دختر خوب بودن با بکره بودن در ارتباط است و این مسئله حتی در بین خانواده‌هایی که مذهبی هم نیستند، دیده می‌شود.

بنابراین این تحقیق در پی آن است تا بفهمد زنانی که رابطه جنسی خارج از ازدواج دارند چه نگاهی به آن و شکستن هنجارهای اجتماعی مرتبط با آن دارند. سؤالات این پژوهش عبارت‌اند از:

1 http://www.bbc.com/persian/iran/2013/04/130410_l44_afary_sexual_politics?SThisFB

2 <http://meidaan.com/archive/19322>

آیا برای زنان حفظ پرده بکارت در دوران معاصر مانند گذشته ارزش محسوب می‌شود؟

آیا تمایزی بین عشق و ارضای غریزه جنسی در بین زنان وجود دارد؟

آیا رابطه خارج از ازدواج آسیب‌هایی برای این زنان داشته است؟

روش تحقیق

این تحقیق با «رویکرد کیفی» انجام شده است که به دنبال درک معانی کنشگران از رابطه جنسی خارج از ازدواج در جامعه ایران است.

تحقیق اکتشافی کیفی، روش پژوهش «استقرایی» و «اکتشافی» است که نه برای آزمون فرضیه بلکه روشی برای تولید آن است. از این جهت، این پژوهش فاقد فرضیات اولیه است. جامعه آماری، در این پژوهش، زنانی هستند که رابطه جنسی خارج از ازدواج را تجربه کرده‌اند.

در این مطالعه، از روش «نمونه‌گیری گلوله برفی» (Snow ball sampling) یا «نمونه‌گیری زنجیره‌ای» (chain sampling) استفاده شده است. این روش نمونه‌گیری غالباً در موقعیت‌هایی کاربرد دارد که محقق با جمعیت‌های پنهان مواجه است و پاسخ‌گویان قابل شناسایی نیستند.

در این مطالعه، برای جمع‌آوری داده‌ها از تکنیک مصاحبه نیمه ساختاریافته (Semi-Structur interview) استفاده شده است. این نوع مصاحبه، به سبب انعطاف‌پذیری و عمیق بودن آن، برای پژوهش‌های کیفی از این دست مناسب است. (آزاد ارمکی، ۱۰، ۱۳۹۰)

در این پژوهش با ده نفر زن که رابطه جنسی خارج از ازدواج داشته‌اند مصاحبه شده است که در رنج سنی ۲۸ تا ۳۸ سال قرار دارند همگی دارای تحصیلات لیسانس یا فوق‌لیسانس و شاغل‌اند. برخی از زنان پاسخ‌دهنده آگاهی جنسیتی داشتند و برخی نداشتند. دو نفر از این زنان با دوست پسرشان ازدواج کرده‌اند هرچند یکی از آنان با گذشت سه سال همچنان باکره است که دلیلش را تحمل‌ناپذیر بودن درد عنوان کرده است. برخی از این زنان تجربه دوستی‌های متعددی داشتند و دو نفر هم‌سال‌ها با مردی که اولین رابطه جنسی کامل را با او تجربه کرده‌اند، دوست هستند. البته سبک زندگی‌شان هم‌خانگی نبوده است.

ویژگی مشارکت‌کنندگان

مشارکت کننده	سن	میزان تحصیلات	شغل
مارال	۲۸	لیسانس	مهندس
سارا	۲۸	لیسانس	مهندس
کیمیا	۲۹	لیسانس	مهندس
افرا	۲۹	لیسانس	کارمند
فریماه	۳۰	فوق لیسانس	کارمند
شیمیا	۳۰	فوق لیسانس	مهندس
نرگس	۳۱	لیسانس	گرافیکست
حورا	۳۲	فوق لیسانس	مدرس دانشگاه
لیلی	۳۴	فوق لیسانس	کارمند
تارا	۳۸	فوق لیسانس	کارمند

یافته‌های پژوهش

از مجموع صحبت‌های انجام شده با مصاحبه‌شوندگان چندین مقوله استخراج شد که در ادامه بررسی می‌شوند.

باکره بودن ارزش نیست

از گفته‌های این زنان مشخص شد بکارت برای آن‌ها حائز ارزش نیست. گویا در ذهن این زنان نگاه داشتن بکارت تا زمان ازدواج امری پذیرفته شده نیست و بکارت بیشتر یک موضوع فیزیولوژیک است تا امری اخلاقی. این زنان با تصور غالب جامعه در مورد باکره بودن همراه نیستند و هریک دلایلی برای داشتن رابطه جنسی خارج از ازدواج دارند، درحالی که این تابو در جامعه ایران وجود دارد. این زنان عنوان کرده‌اند:

تارا ۳۸ ساله

«فکر نمی‌کنم بکارت داشتن تا زمان ازدواج ارزش باشه. بخشی از زن شدن. مگه مردان را ختنه نمی‌کنند؟ آیا چیز باارزشی رو شون جدا می‌کنند؟ نمی‌شه که احساسات رو همیشه کنترل کنی. ممکنه کسی هرگز ازدواج نکنه. آیا باید غرایزش را همیشه کنترل کنه؟ وقتی زانی رو می‌بینم که با وجود سن بالا همچنان باکره هستند فکر می‌کنم چقدر دردناکه که نتوانستن با احساساتشون روبراست باشن. برخی از آنان با حسرت در مورد رابطه جنسی یا نوعی گنگی در مورد این که چه می‌تونه باشد حرف می‌زنن. برخی به خود می‌بالن که در سن بالا به این هنجار تن دادن و راستش من هم دلم براشون می‌سوزه و هم خنده‌ام می‌گه از این که چقدر ساده‌اندیش و منفعل در قبال طبیعی‌ترین حق خودشون هستند.»

کیمیا ۲۹ ساله

«باکره بودن بخشی از صفات بیولوژیکی بدن است که با رشد جسمی قطعاً تغییر می‌کند. مثل دندان‌های شیری که همه ما روزی داریم و با رشد جسمی و فیزیکی و بیولوژیکی، روزی همان‌ها را دیگر نخواهیم داشت.»

مارال ۲۸ ساله

«الان که ۲۸ ساله‌ام و هنوز ازدواج نکردم مشکلی با این مسئله ندارم (باکره نبودن) و حتی در یک صحبت توأم با شوخی و غیرمستقیم پدرم به کنایه گفت که من از مسائل تو (نداشتن بکارت) مطلعم. با صحبتی غیرمستقیم با مادرم، ایشان هم موافق بودند که این مسئله هم مانند برداشتن ابرو روزی از بین می‌رود. در نهایت متوجه شدم شاید آن‌ها هم ارزشی برای این مسئله قائل نیستند.»

سارا ۲۸ ساله

«باکره بودن ارزش نیست اصلاً، و فکر می‌کنم نمی‌شود که آدمی مثلاً ۳۰ ساله باکره باشد و نشود به عقلش شک کرد. می‌دانم هنوز آدم‌های زیادی خودشان را به هر ضرب و زوری باکره نگه می‌دارند اما رسماً به نظرم ابلهانه است. فکر می‌کنم از وقتی که فهمیدم پرده بکارتی هم وجود دارد هیچ وقت فکر نکردم باید بکارت‌م را نگه‌دارم برای شوهرم! اما عملاً این اتفاق افتاد». البته قابل ذکر است همسر این پاسخگو در ابتدا دوست‌پسرش بوده و بکارت او با همین مرد رفع شده است.

شیما ۳۰ ساله

«بکارت هیچ ارزشی نیست. چون داشتنش هم به معنای پاکی نیست و خود پاکی اصلاً ربطی به داشتن بکارت ندارد و به چیز درونی هست و با به معیار فیزیکی قابل سنجش نیست.»

از خلال این پاسخ‌ها می‌شود رد نگاهی تأسفبار را به زنانی دید که رابطه جنسی را به دلیل فشارهای جامعه تجربه نکرده‌اند.

از نظر پاسخ‌گوی دیگری بکارت عامل فرودستی زنان است.

لیلی ۳۴ ساله

به نظر من یکی از مهم‌ترین عوامل فرودستی زنان در جامعه‌های سنتی همین هراس از دست دادن بکارت و یا عکس آن، یعنی لزوم باکره نبودن (مانند آنچه در برخی کشورهای آسیای شرقی رایج است). توضیحش مجال دیگه ای می‌خواد؛ اما پر بیراه نیست اگر بگویم کل نظام مردسالاری در این کشورها بخش مهمی از قدرت‌ش را از همین مسئله می‌گیرد.

بدن، وامانده بین سنت و مدرنیته

هرچند که این زنان معتقد بودند که بکارت داشتن تا زمان ازدواج دارای ارزش نیست اما دو نفر با این که رابطه جنسی را به اشکال مختلف تجربه کرده‌اند، همچنان باکره هستند. آن‌ها فشار خانواده و مطمئن نبودن از تعهد و عشق دوستشان را دلیل تن ندادن به رابطه کامل عنوان کرده‌اند. همچنین مردد بودن در مورد این که فرد مقابل را واقعاً دوست دارند یا صرفاً به او کشش جنسی دارند، سبب شده که رابطه جنسی کامل را تجربه نکنند. به نظر می‌رسد با این که زنان به ذهنیتی جدید در مورد رابطه جنسی قبل از ازدواج رسیده‌اند اما در عمل به دلیل نگاهی که جامعه به رابطه جنسی خارج از ازدواج دارد یا اهمیتی که برای عشق قائل هستند که می‌تواند ریشه در فرهنگ مردسالار جامعه داشته باشد از تجربه رابطه جنسی کامل صرف‌نظر کرده‌اند.

بنابراین ذهنیت مدرن درون لایه‌های سنتی جامعه گیر افتاده است. یکی از این دو زن آگاهی جنسیتی داشت اما در عمل سنت و خانواده او را واداشته که نیازش را به‌طور کامل برآورده نکند.

نرگس ۳۱ ساله

«انگار تماس بدنی نهایت چیزی بود که من از این رابطه می‌خواستم البته اگر ارتباط ما ادامه پیدا می‌کرد و ما دفعات متعدد بعداً آن باهم بودیم بدون شک من بکارت ام رو از دست می‌دادم چون کاملاً بسترش در بدن من محیا بود. می‌خواستم هر بار قدمی فراتر از قبل بردارم. خیلی باحوصله، تحمل این را داشت که من هر مرحله رو احساس کنم، در موردش حرف بزنم ... در شرایطی بودم که بدم نیاز جنسی شدیدی رو می‌طلبید و از طرفی در همان زمان واقف بودم که مشکلات زیادی در این رابطه در حال پیش آمدن که امکان ازدواج را کاملاً داره به صفر می‌رسونه. ما با آگاهی از اینکه ممکنه نتونیم باهم باشیم و مخصوصاً از نظر مالی در بدترین شرایط ممکن بودیم رابطه داشتیم. اما در تمام اون مدت این در ذهن من بود که واقعاً من رو دوست داره؟ شاید این نیاز جنسی بود تا اینکه یک باهم بودن رمانتیک؛ و آیا او واقعاً به واسطه عشقی که به آن اعتقاد داشت این قدر این ارتباط رو برای من قابل لمس کرده بود؟ یا نه به قدری با دیگران در رابطه بود که تجربه داشت؟ ... نمی‌دونم. به گفته خودش او مثل من اولین ارتباطش بود و این من بودم که به اون کمک کردم این‌ها رو تجربه کنه. این‌ها چیزهایی هست که بارها و بارها در موردش فکر کردم ولی نتونستم جواب قطعی براش پیدا کنم».

شیما ۳۰ ساله

«مطمئن نبودم که دوستم مرا واقعاً دوست داره یا صرفاً من رو به خاطر سکس داشتن می‌خواد بنابراین تن به رابطه کامل ندادم».

تردیدهای این زنان و سؤالاتی که درگیر آن شده‌اند به نوعی نشانگر اهمیت زیادی است که جامعه مردسالار برای بکارت قائل است. این تأکید بر ذهن زنان تأثیر گذاشته و سبب شده است که دنبال عشق یا یک‌جور اطمینان برای داشتن اولین رابطه جنسی باشند. بر اساس فرهنگ جامعه ما بکارت داشتن یک‌جور سرمایه برای زنان محسوب می‌شود و برخی از زنان با داشتن رابطه جنسی این سرمایه را برای ازدواجی مناسب حفظ می‌کنند؛ بنابراین می‌توان گفت برخی زنان در موقعیتی متناقضی قرار دارند، بازاندیشی در مورد بدن و روابطشان اما هنوز نتوانسته از سد سنت‌های جامعه عبور کند.

جسارت ورزی جنسی

از بین افرادی که رابطه جنسی خارج از ازدواج را تجربه کرده‌اند دو نفر برای رفع بکارت خود برنامه‌ریزی کرده‌اند. در بین سایر زنان معمولاً رابطه جنسی در یک رابطه دوستانه و طی مدتی شکل گرفته است که دو نفر باهم دوست بوده‌اند؛ اما این دو زن به دلیل محدودیتی که با آن مواجه بودند دست به تجربه متفاوتی زده‌اند. هر دو زن احساس رضایت از این جسارت ورزی خود داشتند.

افرا ۲۹ ساله

«خودم برنامه‌ریزی کرده بودم برای این کار اما فرد اول خیلی وحشی بود و من نتوانستم ادامه بدهم. در حقیقت یک ضربه زد که قسمت ۵ و ۱۲ پرده رفت. برای بار بعد خودم در حقیقت می‌تونم بگم فردی رو اجیر کردم که این کار رو بکنه. ایرانی نبود در سفر اولش به ایران از اون خواستم البته اون این کار را نکرد و گذاشت برای سفر بعد. بار دوم او ۱۰ روز موند و بکارت من هم تمام شد. به خاطر اینکه پسرهای ایرانی این کار رو انجام نمی‌دن و می‌ترسن روی کولشان بمونی من این کار رو کردم. در حقیقت خیلی خوشحال بودم از رابطه جنسی. هر بار که دخول رخ می‌داد من احساس پیروزی می‌کردم. چون خیلی وقت بود که می‌خواستم این اتفاق بیفته. می‌خواستم قبل از سی‌سالگی رابطه جنسی رو تجربه کنم. از بودن با نو لذت نمی‌بردم چون مطمئن نبودم که من رو دوست داره اما واقعاً می‌خواستم رابطه جنسی کامل رو تجربه کنم. نسبت به اون کنجکاو بودم و عطش داشتم. بعد از این رابطه اما آرام هستم و می‌خوام با کسی رابطه بگیرم که دوستش داشته باشم.»

احساس متناقض پیروزی علی‌رغم لذت نبردن بیان‌کننده چالشی است میان ذهن زنی که عشق را لازمه ارتباط می‌داند، اما شانس این را نداشته که در رابطه‌ای عاشقانه رابطه جنسی را تجربه کند و زنی که نسبت به رابطه جنسی کنجکاو است. همین‌طور اهمیت سن ۳۰ سالگی به‌منزله نوعی پختگی و تجربه رابطه جنسی داشتن قبل از ورود به این سن را نیز نشان می‌دهد. سن ۳۰ سالگی معمولاً سن خاصی برای افراد است به‌ویژه زنان که در این دهه از زندگی بیشترین نیاز جنسی را دارند و با توجه به گفته‌هایشان عشق نیز برای آنان مهم است بنابراین دوست دارند در سی‌سالگی رابطه خوبی داشته باشند.

فریمه ۳۰ ساله

«اولین بار دوست‌پسرم با انگشتمش این کار رو کرد چون آلتش بزرگ بود اما در حقیقت اولین رابطه‌ی جنسی‌ام که دخول اتفاق افتاد با کسی بود که دوست‌پسرم نبود چون آلت تناسلی‌اش متعادل‌تر بود. بعدش احساس رضایت داشتم چون با اصرار خودم بود و پس از کشمکش‌های زیاد راضی به این کار شده بود؛ اما از دردی که در آن لحظه داشتم احساس تنهایی و بی‌پناهی می‌کردم.»

زن شدن؛ هراس، آرامش، غم

احساسات زنان بعد از تجربه اولین رابطه جنسی متفاوت است؛ هراس، درد و گیجی از جمله احساساتی است که زنان تجربه کرده‌اند، همچنین برخی غمگین بوده‌اند. برخی حس خوبی از آرامش و مهربانی شریکشان داشته‌اند.

افرا ۲۹ ساله

«حس خوبی داشتم. به هیچ‌روی، احساس پشیمانی نداشتم، حتی احساس می‌کردم خوب حباب من هم یک آدم معمولی‌ام مثل همه‌ی آدم‌های دیگر.»

نرگس ۳۱ ساله

«حس خوبی بود یک دلیلش شاید این بود که اون خیلی مرد آرام، صبور و مهربانی بود. در رابطه جنسی، من در اولویت بودم. شاید یک دلیلش این بود که به ازدواج فکر می‌کردیم. حتی وقتی این مسئله منتفی شد باز هم خیلی انعطاف نشون داد. حالا شاید منم خوش‌شانس بودم.»

تارا ۳۸ ساله

«اولین رابطه من که با مردی بود که نمی‌شناختمش و یکهوایی اتفاق افتاد. رابطه‌ای کامل نبود اما وقتی من رو لمس کرد گریه‌ام گرفت فکر می‌کردم چرا این آدم کسی نیست که سال‌ها دوستش داشتم. اما در اولین رابطه با مردی که بسیار دوستش داشتم خیلی ترسیده بودم. احساس دوگانه‌ای داشتم. از یک‌سو می‌خواستم بفهمم سکس چه، از طرف دیگر هراسم مانع بود. در موردش حرف زدیم. مطمئن شدم به من آسیبی نمی‌رسونه اما به‌رحال می‌ترسیدم به‌گونه‌ای که از شدت استرسی که داشتم بعدش پی‌ریود شدم. در موقع نزدیکی کلی جیغ زدم و خواستم که ادامه نده؛ چون درد داشتم؛ اما بعدش آرام بودم. بیشتر از مهربانی‌هایش و مهم‌تر از همه این‌که با این‌که تحریک‌شده بود تسلط خودش رو از دست نداد و به خاطر من ادامه نداد. همه این‌ها حس خوبی به من داد. دفعه بعد که کلاً بکارت‌م تمام شد، زن شدنم رو به من تبریک گفت. این‌ها برای من ارزشمند بود؛ اما در این دو بار اصلاً لذت نبردم به خاطر ترس و درد.»

افرا ۲۹ ساله

«بعد از این‌که بکارت‌م رو از دست دادم شروع کردم به گریه کردن. به اون گفتمم از اتاق بره بیرون. اون لحظه به خودم می‌گفتمم من باید این کار رو باکسی می‌کردم که آن‌همه سال با اون دوست بودم چون همدیگر رو دوست داشتیم. البته این رابطه داشت به ازدواج می‌رسید اما برای ازدواج مورد مناسبی نبود و در کل خوشحالم که نشد. اگر به هم‌بستری می‌رسید باید با اون ازدواج می‌کردم.»

در مورد آخر زن بین دوست داشتن و تن دادن به عواقب یک ازدواج نامناسب دست به انتخاب زده است که نشان از رفتاری عقلانی است.

تأکید بر لازم و ملزوم بودن عشق و رابطه جنسی زنان را دچار کشمکش‌های زیادی با خود کرده است.

کیما ۲۹ ساله

«برای مدت کوتاهی به اندازه یک شبانه روز ناراحت و غمگین بودم از انجام این کار؛ اما بعد از آن نه. غمگینی اولش مثل غمگینی اولین پریودم بود اون موقع که برای اولین بار پریود شدم حس می‌کردم که زن شدم، خانه پدر بزرگم بودم. دختر بیچه‌های کوچک‌تر از خودم رو می‌دیدم که شاد بودند و می‌دویدند و من حتی از برداشتن قدم به صورت عادی می‌ترسیدم. این‌که هر لحظه مایعی گرم و لزج از میان پاهام شروع به ریختن کنه هراس داشتم و گمان می‌کردم که دیگه نمی‌توانم بدوم. بازی کنم. انگار ناگهان دستی بی‌رحمانه من رو از دنیای کودکی به دنیای بزرگسالی پرت کرد. چقدر گریه کردم! ورود به دنیای زنانگی برای من در هر حالتی ترس و واهمه شدیدی به همراه داشت، برای اولین بار برقراری رابطه هم از همین جنس بود. انگار از دنیایی بیرون شده بودم و وارد دنیای ناشناس، تازه و ترسناکی شده باشم. پیش از برقراری ارتباط با دوستم در این مورد حرف زده بودیم و روز و زمان این کار معلوم شده بود برام مهم بود که همه چیز حتی لباس همون برای این موقعیت فراهم شده باشد شاید یک جور نگاه پرطمطراق به این موضوع در من بود. اینکه یک کار غریب دارد انجام می‌شه و من باید از هر لحاظ آمادگی برخوردارم و رویارویی با آن رو داشته باشم. باینکه در این مورد با دوستم حرف زده بودیم و باینکه ارتباط بدنی ما چند ماه قبلاً هم بود اما من علاقه‌ای به دخول نداشتم وقتی آمادگی این کار رو را پیدا کردم در موردش حرف زدیم و شب برقراری رابطه هم با زیاد کردن زمان معاشرت سعی در از بین بردن ترس من داشتم. و البته دفعه سوم یا چهارم بود که من لذت بردم و پیش از اون حس خیلی خوبی نداشتم».

هراس از این دنیای ناشناخته، گویی ترس و غم را برای این زن رقم زده است. همچنین نوعی نگاه آیینی در برقراری اولین رابطه به چشم می‌خورد که به نظر نشان از اهمیت داشتن اولین رابطه برای این زن و مهم بودن بکارت در ذهن زنان دارد.

این زن ادامه داده است:

«...هراس و درد زیاد داشتم که البته بعدها به این نتیجه رسیدم که درد زیاد من فقط به دلیل هراس و نحوه تفکر در این مورد است. آنچه از کودکی در افسانه‌های جنسی من، مسئله‌ای حاد و بغرنج و دردآور بود، نمی‌تونست خیلی زود برای من لذت بخش و زیبا شه.»

اما شیما ۳۰ ساله که شناختی از رابطه جنسی و به گفته خودش حدود و مرزهای آن نداشته است، گفته «هیچ، حس آخیش بالاخره تموم شد! مزخرف بود».

به نظر می‌رسد شناخت از رابطه و دانستن در مورد حق بدن می‌تواند سبب شود که زنان احساس بهتری در رابطه جنسی داشته باشند و با هراس کمتری آن را تجربه کنند.

حورا ۳۲ ساله

«برای من مبهم بود و گیج بودم. احساس تهوع داشتم که بعداً فهمیدم به خاطر ارضا نشدن.»

مارال ۲۸ ساله

«اولین رابطه کاملم با دوست پسر من بود که ۶ سال بعد با هم ازدواج کردیم. حس افسوس هرگز نداشتم. درد داشتم و درد خیلی بیشتر از انتظارم بود، الان درست خاطر من نیست اما فکر نمی‌کنم در اولین رابطه کاملم ارگاسم رو تجربه کرده باشم.»

فریماه ۳۰ ساله

«... درد زیاد داشتیم، ولی با اشتیاق و از سر کنجکاوی و میل خودم بود.»

لیلی ۳۴ ساله

واقعیت اینه که از نظر ذهنی، چندان هراسی برای از دست دادن بکارت نداشتم در اولین رابطه‌ام، اما بسیار دردناک بود و صرف‌نظر کردیم. نکته‌ای که شاید دانستنش جالب باشد برای برخی، اینکه ما بآنکه بیش از سه سال از ازدواجمون می‌گذره، اصراری برای از بین بردن بکارت نداشتم، نه من و نه همسرم. اون زمان این کار را به خود من سپرده و از نظرش انسانی نیست که یکی درد بکشه و دیگری لذت ببره.

این کار برای من بسیار دردناک و تحمل‌ناپذیر است. برای حل موضوع وقتی از پزشک زنانم در این زمینه پرسیدم، خجالت کشیدم وقتی گفت از شما بعیده حساسیت داشته باشید به این موضوع، وقتی رابطه‌تان رضایت‌بخش است و هیچ‌کدامتان اذیت نمی‌شوید، چه اصراری دارید؟ ...

از او پرسیدم آیا واقعاً درد مانع از رفع کردن بکارت شده است؟

چیزی که من احساس می‌کنم واقعاً درد است، به‌ویژه که پزشک هم دیده. حالا شاید بتوان گفت احساس درد که جسمانی است، امری فرهنگی هم هست. این را که چقدر از این حس می‌تواند فرهنگی یا دست‌کم روانی (یعنی نوعی تداعی هراس از تجربه‌های اولیه) باشد، مسئله‌ی پیچیده‌ای است. شاید آدم به کمک متخصص روانکاو خوب فمینیست نیاز داشته باشد. به‌طور کلی بزرگنمایی در اهمیت بکارت در لذت جنسی اعم از داشتن یا نداشتنش کار مردسالاری است. این تأکید سویه‌های فرهنگی دارد به نظر من.»

ترس زنان می‌تواند ریشه در شنیده‌های آنان از اولین رابطه جنسی برای زنان داشته باشد. در مصاحبه‌ها تقریباً همه پاسخ‌دهندگان به اینکه شنیده‌اند اولین رابطه جنسی همراه با درد برای زنان است، اشاره کرده‌اند؛ بنابراین هراس آن سایه‌اش را بر سر اولین رابطه‌شان افکنده است، هرچند که نمی‌توان منکر نقش فیزیولوژی زنانه شد.

رابطه جنسی و فشار خانواده و جامعه

یکی دیگر از مقوله‌هایی که از میان صحبت‌های زنان برداشت شد فشاری است که بر آنان به دلیل شکستن تابوی بکارت وارد می‌شود. این فشارهای اجتماعی زنان را وادار به پنهان‌کاری کرده است. به‌جز خانواده یکی از پاسخ‌دهندگان، باقی از روابط آنان اطلاعی ندارند. فشارهای اجتماعی و روانی بر زندگی زنان به حدی است که برخی از آنان فکر می‌کنند زندگی در جامعه‌ای که باکره بودن تا زمان ازدواج در آن ارزشی برای زنان محسوب نمی‌شود، بهتر است. آنان نمی‌دانند در صورتی که این راز برای خانواده‌هایشان آشکار شود چه سرنوشتی در انتظارشان هست. ذهنیت مدرن آنان تحت تأثیر فضای سنتی جامعه سبب شده تنها دوستان نزدیکشان از روابط آنان آگاهی داشته باشند.

تارا ۳۸ ساله

«نمی‌دونم اگر خانواده‌ام متوجه شن چه بر خوردی دارند. هیچ تصویری ندارم. راستش گاهی فکر می‌کنم اگر پدرم بفهمه ممکنه سخته کنه. دلم می‌خواد بهش بگم که این رابطه هست و این مرد رو دوست دارم و تو هم باید بپذیری. بارها و بارها آرزو کردم کاش در کشور دیگری زندگی می‌کردم که بکارت مهم نباشه و بتوانم با دوست‌پسرم زندگی کنم و خانواده‌ام بی‌خبر نباشند؛ و اگر این رابطه به هر دلیلی به هم بخورد بتونم راحت با مرد دیگری رابطه‌ای خوب و پایدار برقرار کنم».

کیمیا ۲۹ ساله

«زمان‌هایی بوده که دوست داشتم جایی زندگی کنم که بکارت مهم نباشه و بدیهی‌ترین حق را از آدم‌ها سلب نکنم و وارد خصوصی‌ترین حوزه آدم‌ها نشونم و واکاوی نکنند.»

نرگس ۳۱ ساله

«هرچند که رابطه جنسی کامل را تجربه نکرده‌ام ولی فرهنگ، خانواده و محیطی که در اون زندگی می‌کنم از این لحاظ من رو خیلی تحت فشار قرار می‌ده. خودم که خیلی محافظه‌کاری می‌کنم.»

حورا ۳۲ ساله

«شاید چند سال پیش، بیشتر درگیر این احساس فشار روانی بودم. من در یک خانواده سنتی و مذهبی زندگی می‌کنم که ازدواج نکردن یا داشتن ارتباط آزاد اصلاً پذیرفتنی نیست. از طرفی به شدت احساس وابستگی به دوست‌پسر اولم داشتم و فکر می‌کردم بدون اون زندگی به چه شکلی می‌تونه باشه. سعی می‌کردم به روی خودم نیاورم اما روان من به شدت درگیر این قضیه بود. از شدت استرس از خواب می‌پریدم که هنوز هم این حالت با من هست. فهمیدم که نداشتن بکارت باعث می‌شه برای ازدواج با بسیاری از مردان جامعه خودم کاندیدای خوبی نباشم. روابط زیادی نداشتیم ولی در همان ارتباطات اندک پارتنرهای من اعتراف می‌کردن که بهترین رابطه را با من داشته‌اند. دختری که عاقله، تحصیل کرده، فهمیده، بدون توقع، دعوا راه نمی‌اندازه و شرایط طرف مقابل رو درک می‌کنه درعین حال هم پایه سکس هست. برای اونها این رابطه رویایی بود؛ اما حرف ازدواج که می‌شد به هر بهانه‌ای از زیر آن درمی‌رفتند درنهایت می‌تونم قضیه را این جور جمع کنم که به خاطر بکارت نداشتن کاندیدای خوبی برای ازدواج نبودم و این حس در من تقویت می‌شد که دختری دوست‌داشتنی نیستم؛ اما بعد از مدتی به جنبه مثبت قضیه نگاه کردم که چقدر همین مسئله به من آزادی عمل می‌ده ... شاید احمقانه باشه ولی فکر می‌کنم اگر وارد یک جامعه دیگر بشم وقتی کسی من رو دوست داشته باشه بکره نبودن اولین و مهم‌ترین مانع اون نخواهد بود.»

فریماه ۳۰ ساله

«من مدت‌هاست که بکارت و ارزش نمی‌دانم؛ اما اعتراف می‌کنم زمانی که بکارتم رو آگاهانه و خودخواسته رفع کردم تا چند سال به شدت استرس داشتم که اگر به‌طور اتفاقی قضیه بکارت نداشتنم برای خانواده‌ام رو بشه چه کنم؟ و یا اگر مورد خوبی برای ازدواج داشته باشم و قضیه بکارت مسئله‌ساز شود، چه کنم. ولی همیشه وقتی در اولین رابطه‌ام با هرکدام از دوست‌پسرها با دریایی از سؤال مواجه می‌شوم که چه اتفاقی برات افتاده یا چرا چنین تصمیمی گرفتی، واقعاً دلم می‌خواد در جامعه‌ای زندگی کنم که به چیزهای مهم‌تری فکر کند تا بکارت داشتن.»

به رسمیت شناخته نشدن حق بر بدن برای زنان در جامعه ایرانی عرصه را به این زنان تنگ کرده است. از دیگر سو در گفته‌های این زنان می‌بینیم که مردانی که رابطه خارج از ازدواج را تجربه می‌کنند

انتخابشان ازدواج با زنی باکره است. مردان درحالی که رابطه خارج از ازدواج را حق خود می دانند اما آن را برای زنان به رسمیت نمی شناسند. به نظر می رسد این مردان در عین داشتن رابطه با زنان به نوعی آنان را محکوم به تخطی از هنجارهای جامعه می کنند.

از دیگر سو احساس دوست داشتنی نبودن به واسطه انتخاب نشدن برای ازدواج از سوی مردان و استرسی که سالهاست آنها را رها نکرده گویا هزینه ای است که افراد با ذهنیت مدرن در جامعه ای با ذهنیتی سنتی می پردازند.

حق بر بدن

از مجموع مصاحبه های انجام شده و با توجه به نکاتی که در هر مصاحبه عنوان شده بود مقوله حق بر بدن استخراج شد. با توجه به جوابها می توان مشاهده کرد که در روابط اولیه زنان شناخت دقیقی از این حق ندارند و حتی ناخواسته و صرفاً برای جواب دادن به تقاضای طرف مقابل تن به رابطه جنسی داده اند اما کم کم افزایش آگاهی و شناخت حقوق به آنان کمک کرده است که بتوانند به خواسته هایی که دوست ندارند به بگویند.

شیمایا ۳۰ ساله

«مزخرف بودنش بیشتر به خاطر بی تجربگی بود. این که نمی دونی حدود کجاست؟ حقت در یک رابطه جنسی چی؟ مرزها کجاست؟ کجا متعارفه کجا متعارف نیست... بعداً که بیشتر خودم، بدنم و حقوقم رو شناختم و تونستم یک جاهایی بگم نه نمی خواهم؛ و یک جاهایی بگم چه می خوام یا این کار رو انجام بده.

تارا ۳۸ ساله

«من به خاطر این که حق بر بدن رو برای خودم به رسمیت می شناسم خیلی جاها نه گفته ام و اگر رابطه نمی خواستم خیلی راحت گفتم نه. خوشبختانه طرف مقابلم هم مردی فهمیده است و مشکلی نداشته ام.»

مارال ۲۸ ساله

«در اولین تجربه اصلاً دخول نداشتم، اما احساس خوبی نداشتم و تقریباً برخلاف میلم حاضر به رابطه شده بودم، آن هم برای کسب رضایت طرف مقابلم. باینکه تمامش نوازش شدن و بوسیده شدن بود، اما چون فقط برای راضی نگه داشتن طرف مقابلم وارد بازی شده بودم و نقش خیلی خیلی منفعلی داشتم، می شه گفت خاطره خوبی از اون ندارم؛ اما اصلاً ترجیح نمی دم که این اتفاق نیفتاده بود و در اولین تجربه رابطه کاملم، اگر اشتباه نکنم خودم پیش قدم شدم.»

از برخی پاسخها برمی آید به رسمیت شناختن حق بر بدن به زنان کمک کرده از آنچه نمی خواهند اجتناب کنند؛ مانند پرهیز از رابطه جنسی مقعدی. از ۱۰ نفر مصاحبه شونده سه نفر تجربه رابطه جنسی مقعدی داشته اند و

یک نفر با این درخواست روبرو شده است. از بین پاسخ‌دهندگان دو نفر به دلیل باکره ماندن تن به این رابطه داده‌اند و یک نفر هم در حقیقت مورد تجاوز پارتنرش قرار گرفته است.

تارا ۳۸ ساله

«در اولین رابطه‌ام وقتی فهمید من باکره‌ام پیشنهاد سکس مقعدی داد که من رد کردم هرچقدر در مورد مزایای آن و متبخر بودن خودش در این رابطه گفت باز هم زیر بار نرفتم و کلاً دیگر دوستی از بین رفت.»

حورا ۳۲ ساله

«...سکس مقعدی را تجربه کرده‌ام. بارها و بارها. در ابتدا به خاطر بکارتم بود. در یک دوره کوتاه اما بعد از آن به درخواست پارتنرم؛ و چیزهایی هم درباره مثبت بودن اون شنیده بودم. ولی تجربه وحشتناکی بود. بعد از پارتنر اولم تقریباً همه کسانی که با آنها سکس داشتم درخواست کرده بودن، ولی رد کردم.»

مارال ۲۸ ساله

«سکس مقعدی به‌زور بوده و سه دفعه این اتفاق افتاد که همه‌اش هم با عذاب و شکنجه به نظر من فرقی نداشت. باعث درد و گریه من شد. بهتره بگویم نوعی تجاوز محترمانه چون کاملاً بدون رضایت من بود. ۲ بار آن در اولین رابطه‌ام و یک‌بار در رابطه‌ای که حدوداً ۲ سال پیش داشتم، اتفاق افتاد.»

شیما ۳۰ ساله

سکس مقعدی را تجربه کردم چون از دوستم مطمئن نبودم که بخواهد با من بماند یا نه.

س ۲۸ ساله

«یک‌بار دوست‌پسرم (همسر فعلیم) گفت که برایش جالب است سکس مقعدی را هم تجربه کند و منم گفتم اصلاً برام جالب نیست! و دیگه چنین تقاضایی از من نکرد.»

زنان و بیم ابزگی

از گفته‌های زنان به نظر می‌رسد تقریباً بیشتر زنان نگران مورد سوءاستفاده قرار گرفتن و یا استفاده ابزاری مردان از خود هستند. گویا برای زنان مهم است که برای داشتن رابطه جنسی به‌ویژه رابطه‌ای که در آن بکارشان رفع می‌شود با مردی باشند که دوستشان داشته باشد و آنها را فقط برای داشتن رابطه جنسی نخواهد که این امر شاید ناشی از فرهنگ مردسالار، فرودست‌تر بودن زنان در جامعه و دسترسی کمتر آنان به منابع قدرت و احساس ناامنی نسبت به آینده باشد. هرچند به گفته پاسخ‌دهندگان فیزیولوژی زنان و دردی که معمولاً زنان در اولین رابطه جنسی دارند می‌تواند دلیلی باشد بر آن‌که زنان بخواهند مردی مطمئن در کنارشان باشد.

افرا ۲۹ ساله

«خب اولی را که به لحاظ شخصیتی دوست نداشتم، دومی که بکارتم رو برداشت، دوست داشتیم که رابطه بلندتری باهاش داشته باشیم. الان فکر می‌کنم کاش با اون سکس نکرده بودم، فکر می‌کنم بعد از سکس، ابراز علاقه‌اش کمتر شد، به نظرم این‌که وقتی زود تن به رابطه جنسی می‌دی انگار تو ارزشمند نیستی. قبلش ابراز علاقه می‌کرد اما بعد فقط شد حین سکس. الان دوست دارم رابطه جنسی را با کسی که دوستش دارم تجربه کنم... از نظر من فقط مسئله عشق نیست که زن‌ها با هرکسی وارد رابطه نمی‌شن بلکه بیشتر به خاطر احساس عدم سوءاستفاده شدن هست که زن‌ها می‌خوان با کسی این رابطه رو داشته باشند که مطمئن باشن از شون سوءاستفاده نشده و بلکه به خاطر علاقه هست که این رابطه صورت گرفته...»

شیمما ۳۰ ساله

«باید رابطه باثبات باشه. در غیر این صورت ناخودآگاه احساس از دست دادن می‌کنی و این‌که فقط برای رابطه جنسی با تو رابطه برقرار نکرده باشن. من اگر کسی رو که دوست داشتم احساس می‌کردم نسبت به من تعهد داره، بدون ازدواج، رابطه جنسی کامل را با اون تجربه می‌کردم؛ اما آدم‌هایی که دیدم در زندگی‌ام خیلی زودگذر بودن.»

تارا ۳۸ ساله

«برای من بشخصه این مهم بود که با کسی رابطه بگیرم که آدم متعهدی نسبت به رابطه باشد و فقط یک رابطه کوتاه و یک‌شبه نداشته باشم. همیشه شنیده بودم که سکس وابستگی میاره بنابراین ته ذهنم این بود که نرم با کسی بکارتم را رفع کنم که بعدش پشیمان بشم از تجربه کردنش... تا مدت‌ها، بعد از رابطه جنسی غم داشتم از این‌که نمیتونستم مثل اون لذت ببرم؛ و این‌که آیا من روا فقط برای سکس می‌خواد یا واقعاً دوستم داره؟ اما احساس می‌کنم وقتی بکارتم را با کسی برمی‌داری فکر می‌کنی او مدیون توست؛ یعنی انگار در ذهن من با همه تلاش‌هایم برای زدودن کلیشه‌های مردسالار یک احساس خسروانی وجود دارد از این‌که مرد بعدی که بیاید توی زندگی من و آدم مناسبی باشه برای ازدواج آیا به دلیل نداشتن بکارت ازدواجی شکل می‌گیره؟ یا من باید تمام مدت زندگی‌ام را با روابط دوستانه سرکنم، البته آگاهم که این تصور سنتی است و من باید آن را از خودم دور کنم. اما گاهی موفق نمی‌شوم. از طرف دیگه مهمه که مرد دوستت داشته باشه و خواسته‌های تو رو هم ببینه در غیر این صورت بعد از مدتی احساس سردی نسبت به او و رابطه جنسی پیدا می‌کنی.»

نرگس ۳۱ ساله

«فکر می‌کنم زن‌ها شخصاً خودم از بس ابزارگونه استفاده شده‌اند برای روابط جنسی، که اگه واقعاً این‌طورم نباشد و طرف مقابلش توی آن رابطه لذت را خواهان باشد بازهم روحا این ارضای از درون برایشان اتفاق نمی‌افتد (برای زنان) و اینکه برای بدن یه زن زمان بیشتر و چند مرحله وجود داره برای احساس لذت این چند مرحله بودنش نیاز به کسی داره که خوب یه گیر عاطفی داشته باشن، زمان نیاز داره و بازی کلمات و حتی تو رفتارهای معمول زندگی... و نگران بودن برات که فکر می‌کنم تو رابطه برای یه زن این‌که کسی نگرانش باشه... نگران آسیبی که می‌بینه دردی که می‌کشه لذتی که می‌چشه و خیلی چیزای دیگه مهمه اینکه توی رابطه مرد به فکر لذت خودش باشه و به فکر لذت طرف مقابل»

از پاسخ‌ها برمی‌آید که زنان از همان ابتدای شکل‌گیری رابطه به رابطه متعهدانه و بلندمدت فکر می‌کنند که برطرف‌کننده نیازهای عاطفی‌شان نیز هست و برای آنان رابطه جنسی بخشی از این رابطه هست نه تمام آن. همچنین به نظر می‌رسد بر اساس پاسخ‌ها ذهنیت زنان از مردان این است که آنان بیشتر دنبال رابطه‌ای بی‌تعهد، بی‌عمق و صمیمیت هستند. درحالی‌که برای بیشتر این زنان عشق لازمه داشتن رابطه جنسی است. این

دریافت می‌تواند ناشی از تجربه‌های زنان از رفتار مردان ایرانی باشد. همچنین این نگاه می‌تواند ناشی از نیاز زنان به توجه به خواسته‌هایشان به‌ویژه در زمان رابطه جنسی هم باشد؛ بنابراین مردی را انتخاب می‌کنند که به پیچیدگی‌های روح و جسم زنان واقف باشد و تنها به نیازهای خودش فکر نکند.

جدایی عشق و رابطه جنسی

بر اساس پاسخ‌ها بیشتر زنان مصاحبه‌شونده تمایلشان به داشتن رابطه جنسی با فردی است که دوستش دارند. حتی در پاسخ به سؤالاتی که مرتبط با این سؤال مشخص هم نبوده است زنان تأکید داشتند که ترجیحشان این بوده است که رابطه جنسی را با کسی تجربه کنند که دوستش دارند و یا از لمس شدن و معاشقه‌هایی که توسط معشوقشان بوده بیشتر از رابطه جنسی با مردی که علاقه‌ای به او نداشته‌اند، لذت برده‌اند. تنها دو نفر از پاسخ‌دهندگان بین عشق و رابطه جنسی تمایز می‌گذارند. برای این زنان عشق محصول شناخت، دوست داشتن و تعهد است

تارا ۳۸ ساله

«برای من جدایی بین عشق و سکس نبوده. من عاشق دوست‌پسرم بودم و البته وابسته به اون هم بودم؛ اما از دوستانم می‌شنوم که چنین تمایزی دارند و گاهی به آن‌ها غبطه می‌خورم. خودم گاهی دلم می‌خواد دست به روابط آزادتر بزنم اما وقتی از زنانی که مثل من چنین تمایزی ندارند و دست به چنین تجربه‌ای زدند سؤال می‌کنم می‌بینم که آسیب‌دیده‌ان و حتی از بدن خودشون بدشون اومده.»

مارال ۲۸ ساله

«من وقتی ۱۸ ساله بودم و با «عشق» آن زمانم «خواستیم» تنها عذاب وجدانم این بود که آدم که با عشقتش نباید سکس داشته باشه! سکس مال روابط عادی، وقتی عاشق کسی هستی فاصله را حفظ می‌کنی تا عشقت پاک بمونه و سکست روا جای دیگه ای تأمین می‌کنی!»

این نظر در تقابل با نظر قبلی است و اختلاف دیدگاه این دو زن را نشان می‌دهد هرچند به‌نوعی در دومی نگاه زنی که عشق را امری مقدس می‌شمارد نیز دیده می‌شود و گویی رابطه جنسی در مرتبه از عشق قرار دارد.

لیلی ۳۴ ساله

«تفکر جدایی‌ناپذیر بودن عشق و سکس تا مدت‌ها مرا از هرگونه رابطه‌ی جنسی باز می‌داشت. بعد از خواندن جنس دوم بود که اساساً ذهنیتم فرق کرده بود؛ بنابراین اولین رابطه‌ی جنسی‌ام رابطه‌ای عاشقانه نبود. به همین دلیل، کمی هراس داشتم. چون بر اساس تئوری تصمیم گرفته بودم خودم را به میدان عمل و زیستن با این نظریه‌ها بیندازم. باین همه در از دست دادن بکارت کم‌ویش محتاط بودم، بنابراین درد را هم تجربه نکردم... بعد از رابطه اولم که دوستش هم نداشتم، در رابطه دیگری که عاشق شده بودم و از عشق ورزیدن شریکم هم مطمئن شده بودم، دیگر هراس وجود نداشتم، اما درد تحمل‌ناپذیر بود و البته از بین رفتن بکارت هم به همین دلیل اتفاق نیفتاد... به‌طورکلی من با این پیوستگی میان عشق و رفع بکارت موافق نیستم. دلایل زیادی وجود دارد که چرا زن‌ها این‌طور فکر می‌کنند؛ اما به‌طور خلاصه این، گونه‌ای

اهمیت بیش از حد دادن به بکارت از نظر من است. عشق یک چیز است، سکس چیز دیگری. به نظر من خیلی از زن‌ها زندگی‌شان را معطل اتفاق عجیب و غریبی می‌کنند به نام عشق. آزاد شدن از این ذهنیت بخش مهمی از انرژی‌های ما را آزاد خواهد کرد که به فردیت خودمان بیشتر بپردازیم. به جهان فردی، صرف نظر از اینکه عشق هست یا خیر. چون عشق آن قدرها در کنترل ما نیست. عشق از نظر من نوعی دل‌بستگی عاطفی، امن و مبتنی بر دوستی و تفاهم است. آرامش از نظر من یکی از مهم‌ترین جنبه‌های عشق است...»

در این پاسخ هم ذهن به جدایی و تمایز گذاشتن بین این دو از هم رسیده است اما تن مقاومت کرده است. البته این مقاومت‌ها ممکن است جایی متوقف شود چراکه فرایند فکر کردن در مورد آن شکل گرفته است.

شیمیا ۳۰ ساله

«کلاً برای من عشق شرط لازم برای سکس است. من فقط برای ارضای جنسی با کسی سکس نمی‌کنم.»

کیمیا ۲۹ ساله

«همیشه بر این باور بودم که جسمم رو تسلیم کسی می‌کنم که روحم رو تسخیر کرده باشد. شاید این به نظر خیلی شعاری و شوآف باشه اما برای من صحت داشت و اتفاق افتاد. یگانگی و یکی شدن با کسی که برای من از هر چیز ارزشمندتری گران‌بهارتر و پربهارتر بود زیباترین حس را طی این زیستن به من داد و بعد از آن احساس کردم هیچ حائل و پرده و سد و دیواری نباید که بین ما برقرار باشه.»

افرا ۲۹ ساله

«من از رابطه جنسی با کسی لذت می‌برم که بدانم دوستم دارد. در حقیقت از معاشقه‌هایی که با اولین دوست‌پسرم داشتم خیلی لذت می‌بردم چون دوستم داشت...»

نرگس ۳۱ ساله

«وقتی در یک ارتباط عمیق نشوم به رابطه نمی‌رسم. الانم به رابطه (جنسی) خالی از مهر فکر نمی‌کنم. فکر می‌کنم من دنبال یک ارتباطی همپای ارتباطی که قبلاً داشتم می‌گردم. بعد از آن با افرادی آشنا شدم که در کمتر از ۳-۴ روز با تقاضای سکس از سوی آن‌ها روبرو می‌شدم. نمی‌دانم فکر می‌کنم در این مورد خیلی سستی هستم. کلاً دیدگاه من و انتظار من از رابطه کاملاً ۱۸۰ درجه تغییر کرده است و شاید این اصلاً خوب نباشد. البته منظورم این نیست که من طرف را بشناسم و اگر خواستار ازدواج بود بعداً رابطه جنسی با او داشته باشم. نه. حتی در یک مورد دوستی هم اصلاً بدن من، رابطه تنانه را طلب نمی‌کرد. همین. واقعاً هرچه تلاش کرده‌ام در این مورد کمی راحت با موضوع برخورد کنم، نشده است. انگار با بالا رفتن سن خیلی این قضیه برای من سخت‌تر و سخت‌تر می‌شود.»

شاید یکی از دلایلی که زن‌ها می‌خواهند از دوست داشتن مردان مطمئن باشند تقاضای سریع مردان برای رابطه جنسی است که زنان را محتاط‌تر می‌کند.

پاسخگوی بعدی در مورد هم امتداد بودن عشق و رابطه جنسی برای برخی از زنان معتقد است:

فریمه ۳۰ ساله

«در مورد اولین سکس و عشق و این‌ها دو تا فرضیه دارم. اول اینکه در رابطه چون با درد و ترس و اضطراب همراه، حضور کسی که دوستت دارد دلگرمت می‌کنه؛ و دوم ترس از تنهایی در آینده است که احتمالاً ترجیح این می‌شه که با کسی باشی که دوستت داشته باشه که بتونی بعد با اون ازدواج کنی... عشق از نظر من دوست داشتن از صمیم قلبه که بسته به نوع رابطه نیازهاش تعریف میشه. در مورد عشق به جنس مخالف از نظر من حل شدن دو نفر و رضایت و لذت بردن از نیازها از همه جوانب... ولی عشق کاملاً ایدئال هست و قرار نیست برای هر کس اتفاق بیافته.»

مارال ۲۸ ساله

«در مورد این‌که عشق و سکس از هم جدا نیستند به نظر من این مسئله جدای فرهنگ تا حدودی احساسی است. شاید خوب به نظر خیلی‌ها رابطه جنسی نوعی عشق ورزیدن محسوب می‌شه و دوست دارن که اول و آخر به یک نفر عشق بورزن که برای شون بی‌همتا باشه.»

حورا ۳۲ ساله

«به نظر من نه تنها اولین رابطه که کلاً تو همه روابط زن‌ها دوست دارند با کسی باشن که دوستش دارن. شخصاً برای من تحریک‌کننده‌تره و آدم احساس می‌کنه که امنیت ذهنی بیشتری در رابطه داره. در واقع اینجا دوست داشتن هست که ما رو به سکس می‌رسونه و نه برعکس. از طرف دیگه فکر می‌کنم تا حد زیادی هم جنبه فرهنگی داره. ما فکر می‌کنیم اولاً سکس بده مخصوصاً برای یک زن بده و از اون بیشتر وقتی بده که سکس یک‌شبه داشته باشیم. راستش من نمی‌دونم چقدر این قضیه جنبه روانی داره و چقدر فرهنگی ولی در مجموع پدیده بسیار بارزی در انتخاب‌های جنسی ماست.»

در پاسخ‌ها بعضی بسیار رمانتیک به رابطه جنسی نگاه می‌کنند و مسئله را تنها امری فرهنگی نمی‌دانند که زنان از جامعه آموخته باشند. همچنین تأکید بر رویکرد عاطفی شریک و لزوم وجود امنیت عاطفی در رابطه از فحوای جملات مصاحبه‌شوندگان برداشت می‌شود. این اطمینان خواستن به نوعی می‌تواند نشان از احساس ناامنی باشد که زنان در جامعه‌ای مردسالار احساس می‌کنند.

عشق یا وابستگی؟ دوگانه همیشگی روابط زنان

موضوعی که در این پاسخ‌ها به آن برمی‌خوریم دوگانه عشق یا وابستگی است. گاهی وابستگی و عشق یکی فرض می‌شود در حالی که روانشناسان بین این دو فاصله می‌گذارند.

حورا ۳۲ ساله

«...ضمناً این‌که آدم‌ها آن‌قدر فکر می‌کنند عاشق آدمی هستند که باهاش اولین رابطه رو داشتن ناشی از «احساس وابستگی» و نه عشق. در نظر داشته باشیم چیزی که در اولین رابطه از بین می‌روه تنها پرده بکارت نیست بلکه یک نوع بکارت روحی و روانی هم از بین می‌ره. بکارت دختر خوب بودن از نظر فرهنگی هم از بین می‌ره. به نظرم دخترایی که هنوز ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی براشون جدیده درگیر باقی می‌مونن. ضمناً در روابط بعدی هم تأثیر داره. گاهی رابطه‌های بعدی به اندازه رابطه اولیه خوب نیست و نمی‌تونه جای اون رو بگیره. برای من رابطه دوم این‌طوری بود. رابطه اولم عالی بود، رابطه دوم بسیار سطحی و اقتضاح در ارتباطات بعدی رابطه‌های بهتری پیدا کردم و اون آدم اول زندگیم که فکر می‌کردم عاشقمشدم دیدم تنها وابستگی بهش داشتم.»

تارا ۳۸ ساله

«من هنوز نمی‌دونم این‌که می‌گویم عاشق دوستم هستم چقدر عشقه چقدر وابستگی. گاهی فکر می‌کنم مرز بین عشق و وابستگی تو رابطه‌ام خیلی آشکار نیست و تلاش می‌کنم این مرز و مشخص کنم.»

احساس مالکیت مردان بر بدن زن

بر اساس پاسخ‌ها مردها تمایل دارند با زنی ازدواج کنند که باکره باشد یا خودشان بکارت او را رفع کرده باشند. به گفته پاسخ‌دهندگان مردان احساس مالکیت بر بدن زنان دارند و همین موضوع سبب می‌شود که در جوامعی که دیدگاه یادشده تسری یافته است، زنانی که رابطه خارج از ازدواج را تجربه کرده‌اند فرصت ازدواجشان کاهش یابد. در این خصوص دو زنی که ازدواج کرده‌اند یکی با دوست‌پسرش که بکارتش را خود او رفع کرده، ازدواج کرده، زن دیگر نیز با دوست‌پسرش ازدواج کرده اما باگذشت سه سال از ازدواج باکره است و رابطه جنسی را از طریق دخول به دلیل درد زیاد تجربه نکرده.

فریماه ۳۰ ساله

«من اول با دوست‌پسرم بکارت‌م را رفع کردم اما اولین رابطه‌ی جنسی‌ام که دخول داشت، با فرد دیگه‌ای بودم. این مسئله خیلی زیاد به رابطه‌ام آسیب زد و به‌شدت اون رو تحت تأثیر قرارداد، اما تا حالا فکر نکرده‌ام اگر طور دیگه‌ای می‌شد، چطور می‌شد. من به اصرار خودم بکارت‌م را برداشتم اما بعد از مدتی به‌طور موقت از اون جدا شدم و رفتم با فردی دیگر رابطه گرفتم و بعد دوباره برگشتم. از اون به بعد ما در مجموع حدود سه سال باهم در رابطه بودیم اما این انتخاب من باعث شد او دیگه نتونه هرگز به من اعتماد بکنه (قطعاً به خاطر حس مالکیتش بود) و این طوری شد که رابطه آسیب دید. از آن روز به بعد روزی هزار بار از من می‌خواست برایش توضیح بدهم که دقیقاً چه اتفاقی بین من و اون پسر دیگه افتاد...»

کیمیا ۲۹ ساله

«به‌جرت می‌گویم برای همه پسرها فرقی هم بین تحصیل‌کرده و نکرده‌اش نیست در مورد بکارت داشتن زن حتی به شکل احمقانه‌ای ترجیح می‌دهند زنشون سکس مقعدی را تجربه کرده باشه اما باکره باشه.»

حورا ۳۲ ساله

«یک نکته‌ای که زیاد هم دیدام دخترانی که بکارت ندارند و با دوست‌پسرشان یا پسری که خودش را روشنفکر می‌دونه ازدواج می‌کنن بعداً سر این قضیه دچار مشکل می‌شن. برای خود من این مسئله پیش اومد. دوست‌پسرم به خاطر بکارت نداشتنم فکر ازدواج با من روا از سرش بیرون کرد. البته خودش این ادعا رو نداره اما من می‌دونم که تا حد زیادی به خاطر این قضیه بود.»

تارا ۳۸ ساله

«من فکر می‌کنم شانس زیادی برای ازدواج به دلیل نداشتن بکارت ندارم؛ اما هرگز برای ازدواج حاضر به ترمیم بکارت نیستم. خیلی از مردان قبل از ازدواج رابطه جنسی روا تجربه می‌کنن و خیلی ظالمانه است که از زنان توقع دارن تا زمان ازدواج باکره بمونن و سکس نداشته باشن.»

راهکارهای زنان برای آسیب ندیدن

برخی از این زنان برای این که در رابطه دوستی با مردان دچار آسیب نشوند، راهکارهایی یافته‌اند مثل تمایز گذاشتن بین عشق و رابطه جنسی و کاهش وابستگی عاطفی. برخی نیز ترجیح داده‌اند خودارضایی کنند تا این که به گفته خودشان مورد استفاده ابزاری مردان بی‌تعهد قرار گیرند.

حورا ۳۲ ساله

«من با آن مرد تا سال‌ها رابطه جنسی داشتم. بسیار دوستش داشتم و هنوز هم دارم. به‌طورکلی رابطه جنسی برای من بسیار وابستگی میاره؛ اما به‌تدریج دارم بر این احساس غلبه می‌کنم و سعی می‌کنم رابطه‌های آزادانه رو تجربه کنم تا کمتر لذت سکس رو در پرتو دوست داشتن درک کنم. بعد از سی‌سالگی که دست به روابط دیگه زدم احساسم عوض شد. برعکس احساس قدرت کردم. من زنی بودم که آزادانه می‌تونست وارد روابط عاطفی دیگه بشه یا نشه. فقط سکس داشته باشه و لذت جنسی بیره. چرا باید احساس حقارت یا دوست نداشته شدن کنم چون کسانی به خاطر دیدگاهم در زندگی نمی‌تونستند قدرم رو بدونن. این کار با روحیات عاطفی من جور نیست؛ اما برای زنی که در این جامعه شانس عاشق شدن نداشته و درگیر روابط ناپایدار بوده و می‌دونه که شانس‌های آینده‌اش به‌مراتب کم‌تره، کارکرد داره. چون به من کمک می‌کنه از ناحیه عاطفی آسیب‌پذیر نباشم. بپذیرم که اگر الان با این آقا که از اون خوشم آمده هستم مدتی با هم وقت می‌گذرونیم قرار نیست الزاماً به عشق و ازدواج ختم بشه. ما تنها با وقت گذراندن با همدیگر و سهیم شدن در یک تجربه جنسی به هم لذت می‌بخشیم. گرچه این حرف در عمل بسیار برای من سخته... امروز هر وقت دلم بخواد وارد یک رابطه می‌شم و هر وقت نخوام تمام می‌کنم. البته زیاد اتفاق نیفتاده در عمل و همیشه ملاحظات بهداشتی برای من مهم بوده اما دیگه از نظر روانی نمی‌خوام به کسی احساس وابستگی پیدا کنم. در نهایت من هنوز دوست دارم که بکارت در یک رابطه عاشقانه از بین بیره؛ و قلباً هنوز دوست داشتن رو زمینه لازم یک رابطه جنسی می‌دونم اما تلاشم در جهت تعدیل این ذهنیه»

تارا ۳۸ ساله

«من از یک جایی سعی کردم که وابستگی‌ام رو به دوستم کاهش بدم. این فقط برای این بود که کمتر آسیب ببینم؛ اما به‌هرحال برای من که تمایزی بین عشق و سکس قائل هستم این مسئله سون نیست اما تلاش می‌کنم. به‌هرحال وقتی رابطه تنانه با مردی داری که سالهاست دوستش داری به او وابسته می‌شی؛ اما فکر می‌کنم زنان برای این که آسیب نبینن بهتره میزان دوست داشتنشون رو تنظیم کنن و همیشه خودشون زو بیشتر دوست داشته باشن. نیازهاشون رو فراموش نکنن و اگر رها شدن هم فکر نکنن دوست داشتنی نیستند. بلکه ببیند در کجا دارند زندگی می‌کنن، البته واقعاً کار راحتی نیست. برای خودم خیلی سخت بوده؛ اما مهمه که به مردان احساس قدرت نداد در غیر این صورت بیشتر آسیب می‌بینی و نه تنها قدر تو رو نمی‌دونن که ممکنه زودتر از زانی که مستقل هستن، رها شوی.»

شیما ۳۱ ساله

«درون یک رابطه احساسی اگر سکس صرفاً برای لذت یکی از طرفین باشه ترجیح می‌دم رابطه‌ای با کسی نداشته باشم و نیاز جسمی خودم رو خودم تأمین کنم.»

نتیجه گیری

پژوهش حاضر در پی این بود تا بفهمد زنانی که رابطه خارج از ازدواج را انتخاب می‌کنند چگونه به بکارت می‌اندیشند؟ این افراد چه نگاهی به عشق و رابطه جنسی دارند؟ و اتخاذ این سبک زندگی برای آنان آیا آسیبی به همراه داشته یا خیر و آنان چه راهکارهایی برای کاهش آسیب‌ها پیدا کرده‌اند.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که اکثر این زنان خودشان انتخاب کرده‌اند که بکارتشان را خارج از ازدواج رفع کنند و منتظر ازدواج کردن برای برطرف کردن نیاز جنسی‌شان نمانند. از بین این ده زن دو نفر با دوست‌پسرهايشان ازدواج کرده‌اند. دو زن نیز با وجود تجربه رابطه جنسی باکره هستند.

بیشتر این زنان بکارت را ارزش نمی‌دانند و با آن مانند یک امر زیست‌شناختی برخورد کرده‌اند. این امر می‌تواند به دلیل پایگاه اجتماعی آنان باشد (همگی از طبقه متوسط، تحصیل کرده و شاغل بوده‌اند)؛ اما بین نگاهی که آنان دارند و فرهنگ و هنجارهای غالب در جامعه تضادی اساسی وجود دارد و همین تضاد سبب می‌شود که پنهان‌کاری کنند.

پایبندی ظاهری به سنت‌های جامعه یا پنهان‌کاری می‌تواند نشان از ترسی باشد که زنان از طرد شدن و عدم پذیرش از سوی جامعه دارند.

از دیگر سو این زنان گرچه بکارت خود را خارج از ازدواج رفع کرده‌اند اما به نظر می‌رسد هنوز بکارت برایشان مسئله ارزشمندی است که رفع آن باید با مردی باشد که دوستش دارند و از عمق احساس او مطمئن باشند. هرچند ممکن است این حساسیت به دلیل ترسی باشد که در ذهن زنان از اولین رابطه جنسی شکل گرفته است بنابراین دوست دارند این رابطه را با کسی تجربه کنند که در این رابطه به آنان توجه لازم را داشته باشد.

از تمایز قائل شدن بیشتر پاسخگویان بین عشق و سکس و تمایل آنان به همراه شدن اولین رابطه با فردی که دوستش دارند و دغدغه پایداری این رابطه چنین استنباط می‌شود که دلیل آنان برای رفع بکارت با مردی که دوستش دارند این است که بعداً بتوانند یا با او ازدواج کنند یا در آینده رها نشوند. این مسئله می‌تواند نشان از بی‌قدرتی زنان در جامعه ایرانی باشد. زنان باید بکارتشان را با عشق یا یک رابطه پایدار معاوضه کنند و در غیر این صورت ممکن است شانس خود را برای ازدواج از دست بدهند. چنان‌که در بین پاسخ‌دهندگان زنی نبود

که ازاله بکارتش با یک مردی باشد و ازدواجش با مردی دیگر. همین زنان از حس مالکیت مردان بر بدن خود حرف زده‌اند و معتقدند حتی مردان روشنفکر نیز با زنی که غیر باکره باشد، ازدواج نمی‌کنند؛ بنابراین ذهنیت مدرن این زنان درون جامعه‌ای که مردانش در برخی امور مدرن شده‌اند اما در مورد رابطه جنسی زنان همچنان سنتی فکر می‌کند منکوب می‌شود. هشت نفر از این زنان عنوان کرده‌اند با این که ممکن است شانسشان را برای ازدواج از دست داده باشند اما حاضر نیستند که بکارت خود را ترمیم کنند و داشتن رابطه جنسی بدون ازدواج را حق خود می‌دانند.

از پاسخ‌ها چنین برمی‌آید که زنان اگر بر حق بر بدن خود آگاهی داشته باشند، دچار آسیب‌های کمتری می‌شوند. وقوف بر حق بر بدن سبب افزایش اعتمادبه‌نفس و توانایی نه گفتن در زنان می‌شود که می‌تواند مانع آسیب دیدن آنان و تن دادن به خواسته‌هایی زیان‌آور از سوی برخی مردان شود.

راهکارهایی که برخی از این زنان برای محافظت از خود در برابر آسیب‌های احتمالی رابطه خارج از ازدواج و نگاه ابزاری مردان یافته‌اند عبارت است از کاهش وابستگی و مدیریت احساس، تمایز قائل شدن بین وابستگی و عشق، خودارضایی و تفاوت گذاشتن بین عشق و رابطه جنسی و انتخاب تجربه روابط کوتاه‌مدت تا که احساس آنان درگیر رابطه با مردی که تعهدی به رابطه ندارد، نشود.

در پاسخ‌های ارائه‌شده می‌توان رد پای نظریه‌گیدنز و بازاندیشی این زنها در مورد رابطه تنانه، عشق و ارتباطی که با مردان دارند را دید. آن‌ها مدام فکر می‌کنند که عشق چیست، که آیا واقعاً دوست داشته می‌شوند یا صرفاً ابژه‌ای جنسی برای مردان هستند، فکر می‌کنند که چه باید بکنند که آسیب کمتری ببینند. در این بازاندیشی و مرور مجدد آنان هویتی جدید کسب می‌کنند اما این هویت را نمی‌توانند درون جامعه‌ای بیان کنند که بکارت داشتن برایش اهمیت دارد. این خودسانسوری آسیب‌های خودش را برای آنان در پی دارد. هرچند گیدنز می‌گوید انسان مدرن دارای هویت شخصی است که درباره آن با دیگران صحبت می‌کنند اما این زنان با این که در مورد حقوق جنسی خود دست به بازاندیشی زده‌اند اما گفتگویی بین آنان و خانواده‌هایشان در این خصوص شکل نگرفته است. با این وجود این زنان دست به تعریف دوباره‌ای از خود، رابطه و عشق زده‌اند و به هویت جدیدی برای خود فراتر از آنچه سنت و جامعه‌ی در حال گذار از زن، عشق و رابطه جنسی در ذهن دارد، دست یافته‌اند. حرکت زنان به این سمت می‌تواند به تغییر جامعه منجر شود هرچند که به نظر می‌رسد این تغییر در کوتاه‌مدت رخ ندهد.

منابع

آزاد ارمکی تقی و همکاران، تحلیل ارزش‌های سنتی و مدرن در سطوح خرد و کلان، نامه علوم اجتماعی ایران بهار ۱۳۸۶، شماره پیاپی ۳۰.

آزاد ارمکی، تقی، سنخ‌شناسی الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران، جامعه پژوهی فرهنگی سال دوم پاییز و زمستان، ۱۳۹۰، شماره ۲ پیاپی ۴.

استفانی گرت، ۱۳۸۰، جامعه‌شناسی جنسیت، ترجمه کتابیون بقایی، نشر دیگر، تهران.

اسمارت، بری، ۱۳۸۳، شرایط مدرن، مناقشه‌های پست‌مدرن، ترجمه حسن چاوشیان، نشر اختران، چاپ اول.

سلیمانی نیا، لیلا و همکاران، نقش سلامت روان در ظهور رفتارهای پرخطر، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، زمستان ۱۳۸۴، شماره ۱۹.

خلج آبادی فراهانی فریده، مهریار امیرهوشنگ، بررسی نقش خانواده در ارتباطات با جنس مخالف قبل از ازدواج در دختران دانشجوی در تهران، فصلنامه خانواده پژوهی، زمستان ۸۲، دوره ۶، شماره ۲۴.

گرمارودی غلامرضا، مکارم جلیل، علوی شهره، عباسی زینب، عادات پرخطر بهداشتی در دانش‌آموزان شهر تهران، پایش ۱۳۸۸، دوره ۹، شماره ۱.

گیدنز آنتونی، ۱۳۸۸، تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، نشر نی، تهران.

میرمولایی، طاهره و همکاران، بررسی رفتارهای جنسی و عوامل مرتبط با آن در دانش‌آموزان دختر در دبیرستان‌های دولتی شهر تهران، خلاصه دومین کنگره خانواده و مشکلات جنسی، تهران، دانشگاه شاهد ۱۳۸۴.

آمار مرکز پژوهش‌های مجلس از روابط جنسی در ایران

<http://www.tabnak.ir/fa/news/423952>

سخنرانی دکتر گلزاری در همایش «زنان در مسیر توسعه اجتماعی با تأکید بر برنامه ششم توسعه»

<http://mehrkhane.com/fa/news>

سیاست جنسیتی در ایران مدرن / ژانت آفاری

http://www.bbc.com/persian/iran/2013/04/130410_144_afary_sexual_politics?SThisFB

«قرار است ایران با انقلاب جنسی دچار فروپاشی شود»

<http://meidaan.com/archive/19322>

Mohammadi MR, & et al. "Reproductive knowledge, attitudes and behavior among adolescent males in Tehran", Iran. *Int Fam Plan Perspect*; 32, (2006)

Sternberg, Robert J. (2007). "Triangulating Love". In Oord, T. J. *The Altruism Reader: Selections from Writings on Love, Religion, and Science*. West Conshohocken, PA: Templeton Foundation...
